

نویافته‌هایی از تدفین‌های سنگی در مکران ایران (شهرستان‌های نیکشهر و چابهار)

حسن هاشمی زرج‌آباد

استادیار گروه آموزشی باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند
hhashemi@birjand.ac.ir

روح‌اله شیرازی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

سامان فرزین

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

مریم ظهوریان

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۱۳
(از ص ۹۵ تا ۱۱۲)

چکیده

یکی از منابع مهم در جهت شناخت مذاهب و فرهنگ پیشینیان، مطالعه تدفین‌های باستانی است. تدفین بخشی از فرهنگ معنوی و مادی یک قوم محسوب می‌شود و در هر منطقه از ویژگی‌های خاصی برخوردار است، از آن‌جا که نحوه خاک‌سپاری برخاسته از تفکرات، عقاید و فرهنگ جامعه است، با مطالعه آن‌ها می‌توان به بازسازی روند تکامل فرهنگی جوامع باستان پرداخت؛ هم‌چنین پژوهش بر روی سنت‌های تدفین یکی از بهترین راه‌های مطالعه تأثیر و تأثر تمدن‌های هم‌جوار در طول تاریخ بشری است. بررسی‌های جدید باستان‌شناختی منطقه بلوچستان نشان‌گر آن است که در منطقه جنوب و جنوب‌شرق ایران نوعی از تدفین با نام "گور سنگی" (Cairn Burial) در دوران حکومت پارتیان رواج داشته است که نمونه‌های مشابه با آن در مناطقی همچون کرمان، هرمزگان، فارس و بوشهر دیده شده است. این نوع از تدفین گودال‌های نه چندان عمیقی می‌باشند که روی آن را با انبوهی از سنگ‌های لاشه‌ای پوشانده‌اند. مشابه این شیوه تدفین در سرزمین‌های شرقی و جنوبی هم‌جوار ایران از قبیل: بلوچستان پاکستان و حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز مشاهده شده است. هدف پژوهش حاضر شناسایی و طبقه‌بندی انواع تدفین در بلوچستان ایران در دوره اشکانی و هم‌چنین بررسی چگونگی تداوم شیوه‌های تدفین از دوران پیش از آن است. این تحقیق با انجام بررسی میدانی و پیمایش در منطقه، قبور مورد نظر را شناسایی و تجزیه و تحلیل کرده و با ارائه مستندات باستان‌شناسی از قبیل: طبقه‌بندی ساختار قبور و مقایسه گونه‌شناختی نمونه‌های سفالین به معرفی، دسته‌بندی و ارائه گاهنگاری نسبی این سنت تدفین می‌پردازد. نتایج مقایسه گونه‌شناختی سفال مویده تاریخ‌گذاری پارتی این سنت تدفین می‌باشد.

کلیدواژگان: تدفین‌های سنگی، مکران، بلوچستان، دوره پارتی.

مقدمه

هنگام مطالعه در مورد بلوچستان به اصطلاحاتی برخورد می‌شود که از زمان‌های قدیم به مناطق مختلف این ناحیه از ایران اطلاق می‌شده است؛ اصطلاحاتی مانند: مکا، مکران، سرحد، کوچ، بلوچ و غیره که جستجو و مشخص کردن آن‌ها برای مطالعه بلوچستان مهم می‌باشد. برخی از این عناوین از زمان‌های باستان تاکنون رواج دارد و برخی دیگر تنها در منابع تاریخی موجود بوده و شناسایی آن‌ها نیاز به مطالعه کتب و نوشته‌های کهن مانند کتیبه‌های باستانی و منابع کلاسیک جغرافی‌نگاران دارد. سرزمین بلوچستان به دو بخش مشخص شمالی یا سرحد و جنوبی یا مکران تقسیم می‌شود. از حوزه کارواندر به سمت جنوب را می‌توان مکران نامید و شمال این ناحیه را سرحد دانست.

موقعیت خاص سرزمین مکران (بلوچستان) که بر سر راه ارتباطی شرق به غرب (هند به بین‌النهرین و مصر) قرار گرفته است، موجبات شکوفایی تمدن‌هایی را به وجود آورد که در برهه‌ای از زمان نقش مهمی را در تاریخ بشری ایفا کرده‌اند. مبنای این پژوهش متمرکز بر روی شیوه تدفین "گورسنگی" (Cairn Burial) در منطقه مکران جنوبی (شهرستان‌های نیکشهر و چابهار) ایران است. نکته قابل ذکر این است که این نوع تدفین تاکنون نه فقط در جنوب و جنوب‌شرق ایران دیده شده است، بلکه در خارج از ایران در بلوچستان پاکستان و سواحل جنوبی خلیج فارس هم مشاهده شده است. این قبور معمولاً در دامنه تپه‌ها و کوه‌های کم ارتفاع دیده می‌شود و از لحاظ ساختاری به صورت مدور، بیضی و یا چهارگوش هستند که انبوهی از سنگ روی آن‌ها را پوشانده است. شناسایی و مطالعه سنت‌های تدفین دوره اشکانی در مکران و بررسی چگونگی تداوم آن‌ها از ادوار پیشین از مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر است. در این راستا تلاش بر آن است که برای سوالات زیر پاسخ مناسبی ارائه گردد: سنت‌های تدفین اشکانی در جنوب شرق ایران دارای چه ویژگی‌هایی است؟ این سنت‌های تدفین ویژگی جنوب ایران است یا در سرزمین‌های مجاور نیز دیده می‌شود؟ و در نهایت، آیا چنین سنت‌های تدفینی در دوره پیش از اشکانی نیز وجود داشته است؟

بستر جغرافیایی

محدوده جغرافیایی مورد مطالعه بخش‌های جنوبی مکران ایران است که تمرکز و تنوع محوطه‌های باستانی دارای تدفین‌های توده سنگی در آن‌جا زیاد است. از نظر تقسیمات کشوری این منطقه اکنون در دو شهرستان نیکشهر و چابهار واقع شده است. شهرستان نیکشهر در جنوب‌غرب بلوچستان (بین ۲۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۲۷ درجه و ۲ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی) واقع شده است. چابهار در جنوب‌شرقی‌ترین نقطه ایران (در فاصله ۶۰ تا ۶۱ درجه طول شرقی ۲۵ تا ۲۶ درجه عرض شمالی) قرار گرفته است. این شهرستان از سمت شمال به شهرستان سرباز و نیکشهر، از شرق به پاکستان، از جنوب به دریای عمان و از غرب به شهرستان کنارک محدود است (نقشه ۱). با توجه به تمرکز و تنوع تدفین‌های گور سنگی، مکران گزینه‌ای مناسب برای مطالعه پراکنش و سنت‌های تدفین آن‌ها می‌باشد.

پیشینه تحقیقات باستان‌شناسی بر روی قبور سنگی بلوچستان

برای نخستین بار مطالعه بر روی قبور سنگی بلوچستان را «میجر موکлер» با بازدید از محوطه باستانی دمب‌کوه آغاز کرد و شرح آن را در مجله سلطنتی آسیایی انگلیس منتشر کرد (Mockler 1877: 126-134). حدوداً شصت و پنج سال پس از وی، «سراورل مارک اشتاین» براساس اطلاعات ارائه شده توسط موکлер در جریان سفر خود به بلوچستان از محوطه دمب‌کوه دیدن نموده و مطالعات تقریباً مفصل و منظمی را بر روی این محوطه انجام داده است. اشتاین تعداد ۴۲ گور از قبور دمب را مورد کاوش قرار داده است. درون این قبور اشیاء و لوازمی وجود داشته که همراه افراد متوفی به‌عنوان هدایای تدفین گذاشته شده بود (Stein, 1937: 79-85). «لمبرگ-کارلوفسکی و همفریز» هم در سال ۱۹۶۷ م، در بررسی خود در جنوب شرق ایران، تعدادی بسیار زیادی از این تدفین‌ها را گزارش کرده و در مقاله خود با عنوان «قبور سنگی در جنوب شرق ایران» به معرفی آن‌ها پرداخته‌اند (Lam-berg-karlovsky and Humphries 1967). پس از آن تاکنون، هیچ‌گونه تحقیق کامل و جامعی درباره این تدفین‌ها انجام نشده است. تا این که در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ هـ.ش، روح‌اله شیرازی با بررسی روشمند در منطقه جنوب بلوچستان توانست تعداد زیادی از محوطه‌های کلیدی و شاخص دارای تدفین‌های سنگی را به همراه داده‌های آن‌ها شناسایی و ثبت و ضبط نماید (شیرازی، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹).

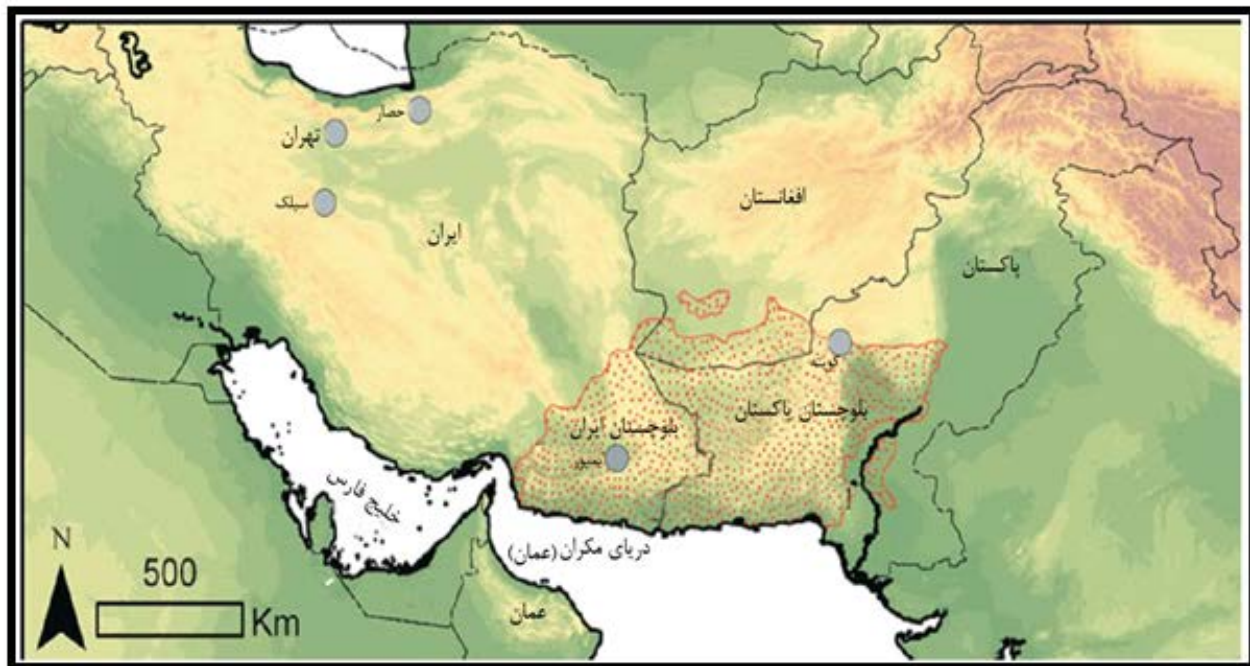
روش تحقیق

بررسی میدانی در این منطقه، به‌صورت پیمایشی و کسب اطلاع از راهنمایان محلی انجام گرفت. در این بررسی، برای شناسایی دقیق‌تر و منظم محوطه‌های باستانی، از نقشه‌های سازمان جغرافیایی ارتش در مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ استفاده شد؛ در ضمن بررسی، نسبت به ثبت مختصات جغرافیایی، تهیه یادداشت‌های مربوطه، عکاسی، ثبت اطلاعات مربوطه به آن اثر در فرم‌های مخصوص و نمونه‌برداری از مواد فرهنگی موجود در سطح آن‌ها اقدام می‌گردید؛ پس از شناسایی هر مکان و ثبت و ضبط آن، نمونه‌برداری از چهار ضلع هر محوطه صورت پذیرفت و از سفال‌های جمع‌آوری شده از سطح هر محوطه، تعدادی به‌عنوان سفال شاخص برای مطالعه و طراحی انتخاب و سایر سفال‌ها به محل اولیه خود بازگردانده شد.

توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی قبور سنگی بلوچستان

طی بررسی باستان‌شناختی که در شهرستان‌های نیکشهر و چابهار صورت گرفت، تعداد ۱۵ محوطه دارای تدفین‌های سنگی شناسایی گردید (جدول ۱). با مطالعه همه جانبه ریخت‌شناسی این قبور، این نتیجه حاصل گردید که، فرم قبور سنگی به دو دسته کلی: مربع (شکل ۱) و مدور (شکل ۲) تقسیم می‌شود؛ البته در موارد اندکی هم فرم این قبور بیضی است و در ساختمان آن‌ها از سنگ‌های موجود در محل، که به‌صورت خشکه‌چین بر روی هم قرار داده شده، استفاده شده است. این قبور از نظر ساختمانی به دو روش مختلف ساخته شده‌اند.

۱. گورهای ساده و چهار گوش به همراه درب ورودی.



▲ شکل ۱: نقشه ایران و محدوده بلوچستان ایران، پاکستان و عمان (De Cardi, 2008: fig. 2).

۲. گورهای مدور و بیضی با میانگین قطر حداکثر سه متر (شکل ۴). در محوطه باستانی دمب‌کوه این گورها بر روی دامنه کوه پراکنده شده‌اند؛ برخی از گورهای سنگی دارای دیوارهای مستطیل است که با تخته سنگ‌های نامنظم ساخته شده و بلندی آن‌ها به‌طور میانگین از سطح زمین‌های اطراف بین ۱/۲۰ تا ۱/۵۰ متر است. سقف قبور با ورقه‌های سنگی درست شده است. یک‌سوی دیوارها معمولاً دارای بخشی است که نیمه‌باز بوده و شبیه در ورودی قبر است (شکل ۵). سنگ‌های دیوارهای قبور دمب‌کوه بدون ملاط روی یک‌دیگر چیده شده‌اند و به همین سبب امروز به کلی تخریب شده و از شکل اصلی خود خارج شده‌اند.

این موضوع خود حاکی از بیشتر بودن ارتفاع واقعی این گونه سازه‌ها در گذشته است که نمونه‌های سالم‌تر آن از مناطق باهوکلالت به‌خصوص محوطه دمب‌کوه به‌دست آمده است (شکل: ۶ و ۷).

در گورهای مدور و بیضی شکل، سنگ‌های به‌کار رفته در ساخت آن‌ها، قلوه سنگ‌های نسبتاً بزرگ کف‌رودخانه است که بر اثر مرور زمان به‌صورت سیاه کدر درآمده‌اند. نحوه قرارگیری قبور متفاوت است و اکثر آن‌ها دارای جهت شمال‌غربی-جنوب‌شرقی هستند. با بررسی باستان‌شناختی دقیق حوزه مکران جنوبی، مشخص شد که سنت غالب تدفین در دوره اشکانی در این منطقه گور سنگ‌ها هستند که در محل به آن‌ها دمبی می‌گویند.

پراکنش گور سنگ‌ها

درباره شرایط زیست محیطی و تاثیر آن بر پراکندگی قبور، به‌طور قطع می‌توان اذعان کرد که عامل آب و وجود کوهستان‌های صخره‌ای، نقش عمده‌ای در الگوی پراکندگی این نوع از شیوه تدفین داشته است. عمدتاً گورستان‌ها در مجاورت

یا نزدیکی منابع آب قرار دارند و احتمالاً متعلق به اقوام کوچ‌رو هستند. وجود رودخانه‌های بزرگی هم‌چون باهوکلالت، کاجو، بمپور و سرباز، پتانسیل خوبی را برای استقرار گروه‌های انسانی در ادوار مختلف تاریخی ایجاد کرده است (شکل ۲).

طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های به‌دست آمده از سطح قبور

سفال دوره پارت در منطقه بلوچستان به‌طور کلی به سه گروه تقسیم می‌شود: اولین گروه، معمولاً منقوش بوده و گاه یک رنگ یا دو رنگ هستند و از لحاظ تکنیک ساخت، از ظرافت قابل توجهی برخوردارند. بدنه سفال با پوشش لعاب گلی نخودی و نقش‌های سیاه یا قرمز هندسی تزیین شده که شامل: لوزی‌ها، خطوط زیگزاگ و نقش‌های خطی نردبانی است (De Cardi, 1951: 65). دومین نوع سفال این منطقه که کاوش‌گران آن را سفال "لوندو" (Londo) نام‌گذاری کرده‌اند، نوعی سفال منقوش است که علاوه‌بر نقوش هندسی یاد شده، نقوش حیوانات از جمله اسب و بز کوهی بر روی آن‌ها دیده می‌شود؛ این‌گونه سفال در تمام موارد، مشخصه سفال غرب پاکستان است و بیشتر محققان آن را با سفال هزاره دوم ق.م. اشتباه کرده‌اند (Fairservis, 1956: 79). "بتاتریس دکارتی" همین گونه سفال را لوندو شناسانده و متعلق به هزاره اول ق.م. می‌داند (De Cardi, 1951: 65)؛ سومین گروه سفال‌های شناسایی شده، سفال نارنجی ظریف منقوش است با سطحی صاف و صیقلی، شامل جام‌ها و ساغرهای بلند با پستی و بلندی روی آن‌ها که بعضی از محققان معتقدند منشأ هندی دارد (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۲۳۴). طی بررسی، از مجموع ۱۵ محوطه ۱۷۰ قطعه سفال برداشت گردید که در زیر طبقه‌بندی آن‌ها ارایه می‌شود.

شکل ۲: نقشه پراکندگی محوطه‌های تدفین سنگی در نیکشهر و چابهار (Google Earth).



جدول شماره ۱ - مشخصات محوطه‌های دارای تدفین سنگی

ردیف	شماره و نام مکان	نشانی		مختصات جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا (متر)	مساحت (به متر مربع)	دوره پیشهادی
		بخش	دهستان	عرض جغرافیایی (N)	طول جغرافیایی (E)			
۱	گیمک	بنت	مرکزی	۲۵-۳۲-۳۴۴	۶۱-۱۱-۷۸	۳۲	۸۷۰۰	پارتی
۲	چنگر	بنت	توتان	۲۵-۳۴-۵۷۸	۶۱-۱۱-۵۵۴	۳۳	۹۳۰۰	پارتی
۳	قبرستان چیدگی	بنت	دستگرد	۲۵-۳۵-۳۳۰	۶۱-۱۰-۴۴۳	۲۵	۵۰۰۰	پارتی
۴	قبرستان توتان	بنت	توتان	۲۵-۳۲-۶۸۲	۶۱-۱۲-۱۲۶	۸	۴۶۰	پارتی
۵	دیمان تمپ چگرد	لاشار	لاشار شمالی	۲۵-۳۷-۱۲۸	۶۱-۰۲-۰۰۱	۳۳	-	پارتی
۶	سوروج بالا	لاشار	لاشار شمالی	۲۵-۳۷-۱۵۸	۶۱-۰۲-۴۰۲	۳۹	۳۳۰	پارتی
۷	کلات بگ	چاف	چاف	۲۵-۳۳-۸۶۹	۶۱-۰۴-۲۳۸	۵۳	۵۸۹	پارتی
۸	دیمان شهرناج	لاشار	لاشار	۲۵-۳۳-۶۲۵	۶۱-۰۴-۶۷۸	۳۰	۱۵۶	پارتی
۹	چک توتان	لاشار	چاف	۲۵-۳۳-۲۵۴	۶۱-۰۸-۲۹۹	۳۳	۱۳۳۵	پارتی
۱۰	موسینان	قصرقند	هلونچکال	۲۵-۴۲-۶۶۷	۶۰-۵۸-۹۵۵	۳۹	۱۰۸۰۰	پارتی
۱۱	قبرستان دب چوگری	قصرقند	هلونچکال	۲۵-۴۷-۸۴۹	۶۱-۰۰-۶۶۷	۴۷	۲۸۳۶	پارتی
۱۲	زارت جنگل ۳	قصرقند	هلونچکال	۲۵-۴۸-۹۲	۶۱-۰۶-۳۴۲	۴۸	۵۰۱۰	پارتی
۱۳	دیمی کویاسر ۱	پلان	پلان	۶۱-۲۸-۴۷۸	۲۵-۴۶-۸۶۴	۳۳	۹۰۰	پارتی
۱۴	دیمی کلات کوه	بسوت	باهوکلات	۶۱-۲۱-۳۴۳	۲۵-۲۵-۷۲۷	۳۶	۱۳۸۹۰	پارتی
۱۵	دیم کوه	بسوت	باهوکلات	۲۵-۳۱-۶۳۱	۶۱-۲۲-۹۵	۱۷	۱۹۵۰۰۰	پارتی



Fig. 3 - Distribution of cairns.

CAIRN BURIAL SITES

- | | |
|------------------------|----------------------------|
| 1 Periano Ghundai | 24 near Khurab |
| 2 Moghul Ghundai | 25 Murtan |
| 3 Chaperkai Hill | 26 Baghshat |
| 4 Tordherai | 27 Sah'gan |
| 5 Sur Jangal | 28 Kamsaptar |
| 6 Zayak | 29 Damban |
| 7 Nal Village | 30 Rampk |
| 8 Panju Damb | 31 Birinti |
| 9 Nokjo Shahdinzai | 32 Damel |
| 10 Mazena Damb | 33 Darra-Shor |
| 11 Kulli Damb | 34 Hajjiabad |
| 12 Zangian | 35 Tump-i-Gabarha |
| 13 Bit (Buleda Valley) | 36 Chil-Gabri |
| 14 Kalatuk | 37 Sar-i-Asiab |
| 15 Nasirabad | 38 Chah Darut |
| 16 Suntsar | 39 Zarand |
| 17 Gatti | 40 Rafshan (Dakhmai Gabar) |
| 18 Jiwanri | 41 Naksh-i-Rustam |
| 19 Take Dap | 42 Dogan |
| 20 Basot | 43 Bishezard |
| 21 Dambah Koh | 44 Asmangird |
| 22 Ruhgam | 45 Fattehabad |
| 23 Tiz | 46 Bushire |

▲ نقشه پراکندگی قبور سنگی در جنوب شرق ایران و پاکستان و عمان (Lamberg- Karlovsky and Humphries, 1967).

الف) سفال‌های لعاب‌دار: این سفال‌ها دارای لعاب‌های سبز از نوع لعاب‌های دوران اشکانی هستند. خمیره این سفال‌ها نخودی می‌باشد.
ب) سفال‌های چرخ‌ساز با خمیره قرمز آجری.
ج) سفال لوندو.
د) سفال بدون لعاب ساده.

از آن‌جایی که هدف در نوشتار حاضر، گاهنگاری این محوطه‌ها براساس مقایسه گونه‌شناختی سفال‌های سطحی و شناخت ویژگی‌های سفال این ناحیه است، به متغیرهای سفال اهمیت بیشتری داده شده است. کلیه سفال‌های گردآوری شده از هر یک از محوطه‌ها، از نظر شکل، لبه، فرم ظرف، نوع تزیین، نقش مایه، طرح نقش، شاموت و رنگ خمیره مطالعه شده‌اند.

بیشتر سفال‌های مکشوفه از گورستان‌ها، را سفال‌های ساده اشکانی تشکیل می‌دهد که دارای هیچ‌گونه نقش مایه و تزیینی نیستند. رنگ خمیره سفال‌ها قرمز، نخودی و درصد اندکی خاکستری است که از این میان طیف قرمز درصد بیشتری را به‌خود اختصاص می‌دهد. سفال‌گران این دوران عموماً ظروف ساخته شده را با انواع پوشش‌ها و با رنگ‌های مختلف می‌پوشاندند. این نکته سبب ابداع پوشش‌هایی با رنگ نخودی، قرمز، قهوه‌ای، آجری، قرمز آجری و نارنجی شده است؛ برخی سفال‌ها نیز به‌صورت خودرویه هستند. از اشکال شاخص می‌توان به کاسه‌های دهانه‌گشاد، قدح، خمره، جام و پیاله اشاره نمود (لوحه ۱). شیوه‌های تزیینی شامل نقش کنده، داغ‌دار (صیقلی)، افزوده و منقوش است و نقش مایه این تزیینات به‌صورت اشکال هندسی هستند. یکی از نقوش تزیینی که بر روی سفال‌های این دوره به کرات مشاهده می‌شود، خطوط افقی داغ‌دار است که به موازات یک‌دیگر در سطح خارجی ظروف سفالین مشاهده می‌شود؛ گاهی اوقات این تزیین را می‌توان در سطح داخلی ظروف هم مشاهده نمود (لوحه ۲)؛ البته این مساله بیشتر در مورد ظروف دهانه‌گشاد، همانند کاسه‌ها صادق است. ظروفی که دهانه‌ی آن تنگ است و داخل ظروف قابل مشاهده نیست، این تزیین در سطح خارجی آن‌ها دیده می‌شود. بسیاری از فرم ظروف با مناطقی که دارای سفال‌های تاریخی هستند، قابل مقایسه می‌باشند؛ اما برخی از فرم‌های مخصوص این منطقه است و آن‌ها را باید در گروه سفال‌های محلی بلوچستان قرار داد (لوحه ۳).

در مرحله مقایسه گونه‌شناختی، نمونه‌های سفالین با سفالینه‌های محوطه‌های شاخص دوره اشکانی مقایسه شدند؛ در این مقایسات سعی شد تا محوطه‌های حفاری شده در اولویت قرار بگیرند و نتایج محوطه‌های بررسی شده در درجه دوم اهمیت قرار داشته باشد.

نمونه سفال‌های^۱ به‌دست آمده از سطح محوطه‌ها، به‌طور کلی با نمونه‌هایی از محوطه‌های دوران اشکانی در ایران هم‌چون: هگمتانه (آذرنوش، ۱۳۸۶)، نوشیجان (Stronach, 1969)، تپه گوری سیستان (مهرآفرین، ۱۳۸۶: ۱۲۵)، قلعه‌بزدگرد (Keall and Keall, 1981)، ماه‌نشان زنجان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳)، سلوکیه (Debevois, 1934)، بیستون (Kleiss, 1970: Ab.26, no.29)، قلعه‌سام



▲ شکل ۱: قبور سنگی چهارگوش (محوطه کلات کوه، رُحگام)، (شیرازی، ۱۳۸۹).



▲ شکل ۲: قبور سنگی مدور (محوطه قبرستان توتان)، (شیرازی، ۱۳۸۹).



▲ شکل ۳ و ۴: قبور سنگی ساده (محوطه قبرستان چیدگی)، (شیرازی، ۱۳۸۹).

۱. نکته قابل توجه این است که به علت محدودیت و حجم مقاله نمی‌توان تصاویر سفالینه‌های گونه‌شناختی شده را در آن گنجانند و نتیجتاً به نام بردن به آن‌ها اکتفا گردیده است.



▲ شکل ۵: قبور سنگی منظم با دریچه ورودی (محوطه کسو کوه ۴)، (شیرازی، ۱۳۸۹).

(هرینگ، ۱۳۷۶) خورهه (رهبر، ۱۳۸۲)، شیمان متعلق به دوره اشکانی (Kennet, 2002) و ملیان (Alden, 1978) مورد مقایسه گونه‌شناختی قرار گرفتند. تشابهات فرهنگی میان نمونه‌های به‌دست آمده از بررسی و نمونه‌های یاد شده، نشان از اشکانی بودن سفال‌ها و محوطه‌های شناسایی شده در بلوچستان دارد.

معرفی و مقایسه تدفین‌های سنگی سرزمین‌های همجوار (پاکستان و عمان)

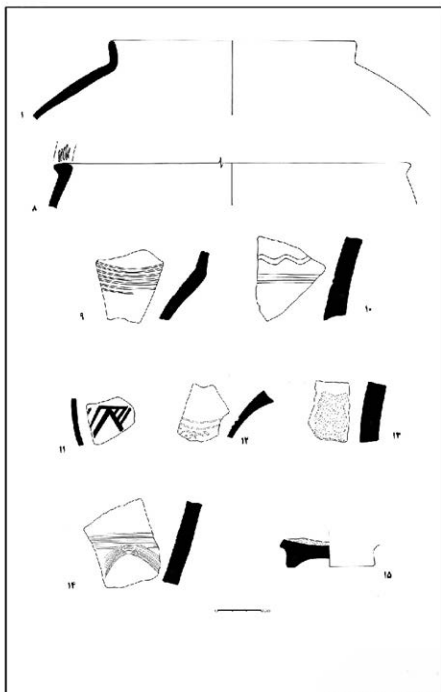
جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که بررسی و تحقیق درباره وضعیت و چگونگی دوران پیش از تاریخ و تاریخی ایران، به تنهایی و بدون در نظر گرفتن وضعیت مناطق همجوار امکان‌پذیر نمی‌باشد. تبیین جنبه‌های غیرمادی فرهنگ‌های باستانی، به‌دلیل نبود رهیافت‌های تئوریک و روش‌شناختی مناسب یکی از پیچیده‌ترین شاخه‌های پژوهشی باستان‌شناسی است. برخلاف جنبه‌های مادی، نشانه‌های ملموس جنبه‌های معنوی فرهنگ‌ها به‌صورت محدود از حفاری‌های باستان‌شناسی کشف می‌شود؛ در عین‌حال بدون تبیین جنبه‌های غیرمادی فرهنگ‌های باستانی، هر گونه تحلیلی از این فرهنگ‌ها یک‌سویه خواهد بود (طلایی، ۱۳۸۱: ۷۶).

با بررسی و مطالعه شیوه تدفین گورسنگی در منطقه بلوچستان و پی‌گیری و ریشه‌یابی در نحوه و چگونگی ساخت آن، مشخص گردید که در بلوچستان پاکستان و عمان هم این نوع خاص از تدفین وجود دارد که از عصر مفرغ تا دوران تاریخی استمرار داشته است؛ در ادامه به معرفی محوطه‌های شاخص دارای تدفین سنگی در این دو منطقه پرداخته می‌شود.

۱- بلوچستان پاکستان

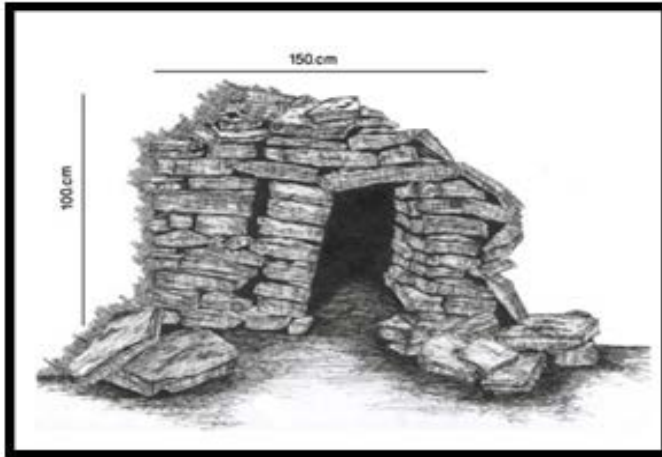
فعالیت‌های باستان‌شناسی در نقاط مختلف پاکستان از جمله: کویته، پیشین، چنای، شمال منطقه کلات، زاب و لواریل توسط "فایرسرویس" آغاز گردید. پس از او، می‌توان به کشف منطقه سوراب به همت خانم "بئاتریس دکاردی"، بررسی محوطه‌های اطراف کلات به‌دست "رایکس"، کاوش‌های فرانسویان در نینداوی در منطقه کلات، و نیز کاوش در محوطه‌های پیرک، مهرگر، سبیری، میری کلات و شاهی تمپ اشاره نمود. از میان بررسی‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسان پاکستانی می‌توان به کارهای "محمد رفیق مغول" در شمال بلوچستان اشاره کرد (سجادی، ۱۳۷۴).

میری کلات محوطه بسیار کلیدی در مکران پاکستان است که در ایالت بلوچستان پاکستان قرار دارد. این محوطه نزدیک شهر تربت پاکستان واقع شده و توسط هیأت باستان‌شناسی فرانسه به سرپرستی "رولان بزوال" از سال‌های ۱۹۹۴ م. تاکنون مورد کاوش قرار گرفته است (Besenval, 1994, 1997, 2000, 2004) (شکل ۸).



لوحه ۱: طرح نمونه‌های سفالین، (شیرازی، ۱۳۸۹).

1. Beatrice De Cardi.



▲ شکل ۶: عکس و طرح یکی از قبور نیمه سالم (محوطه دمب‌کوه)، (شیرازی، ۱۳۸۹).

در مکران پاکستان، تعداد بسیار زیادی از قبور سنگی که مشابهت نزدیکی با نمونه‌های یافت شده در ایران دارد، شناسایی شده است. این قبور از نظر فرم و نحوه ساخت، کاملاً همانند نمونه‌های بلوچستان است. در اینجا نیز گورسنگ‌ها در کنار جریان‌های آبی و یا کوه‌پایه‌ها دیده شده است. تنها شواهد سفالی که از میری کلات بدست آمده و همزمان با گور سنگ‌ها هستند، دو ظرف سفالی لعابدار است که مشابه آنها در بین النهرین یافت شده و قرن اول و دوم میلادی تاریخگذاری شده اند (Besenval, 1997: 30)، (شکل ۹).

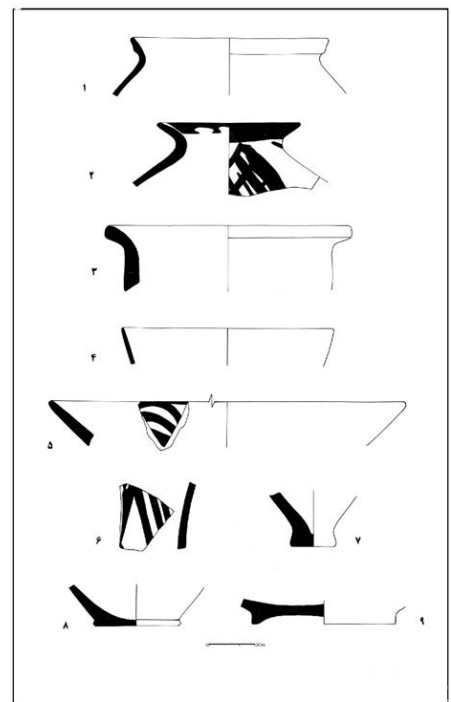
مرده سنگ بزرگ‌ترین سایت پیش از تاریخ در دره کانراچ (Kanrach)، کشف گردید. این محوطه در کنار بستر رودخانه کانراچ بر تراس طبیعی قرار گرفته است. هسته مرکزی شهر متشکل از خانه‌هایی منظم به همراه خیابان‌کشی است. کاوش‌گر این محوطه براساس یافته‌های خویش، تاریخ آن را بین ۲۶۰۰-۲۷۰۰ ق.م. می‌داند (Vogt and Franke-Vogt, 1987)، (شکل ۱۰).

بافت این محوطه کاملاً سنگی است و تمامی آثار معماری به‌جای مانده از این منازل مسکونی و قبور، ساخته شده از سنگ‌های درشت بستر رودخانه کانراچ است. معماری قبور کاملاً با نمونه‌های قبلی ذکر شده در ایران و سایر محوطه‌های ایران مطابقت دارد و از نظر سائز هم بسیار شبیه قبور دمبی در منطقه بلوچستان ایران است و آثار به‌دست آمده از قبور هم شامل ظروف سفالی و سنگی است (Ibid)، (شکل ۱۱ و ۱۲).

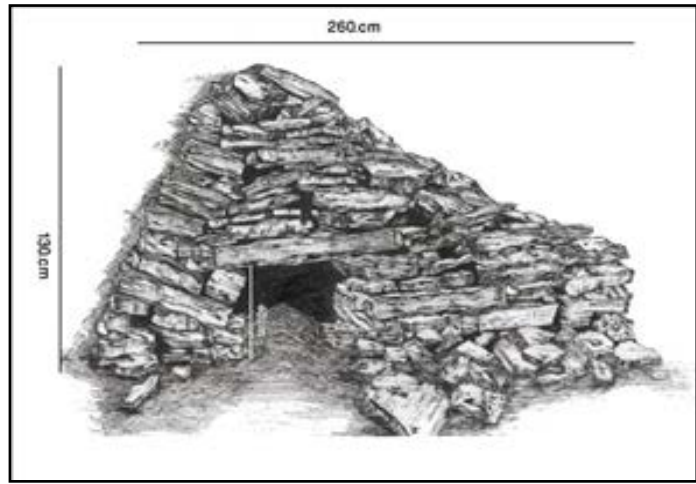
با مطالعه قبور سنگی در منطقه پاکستان به این نکته پی می‌بریم که سنت تدفین سنگی در این حوزه با توجه به شواهد مستند باستان‌شناسی متعلق به دوره تاریخی می‌باشد.

۲- عمان

فعالیت‌های باستان‌شناختی در کشور عمان نخستین بار توسط هیأت باستان‌شناسی دانمارکی در دهه ۶۰ م. آغاز گردید. پس از دانمارکی‌ها، خانم بتاتریس دکاردی در قسمت‌های مختلف عمان دست به فعالیت‌های اکتشافی و کاوش زد و پس از او افراد دیگری از جمله: کلوزیو، توزی، پاتز در نقاط مختلف این منطقه بررسی‌های باستان‌شناسی انجام دادند (Cleuziou and Tosi, 2000: 79).



لوحه ۲: طرح نمونه‌های سفالین، (شیرازی، ۱۳۸۹).

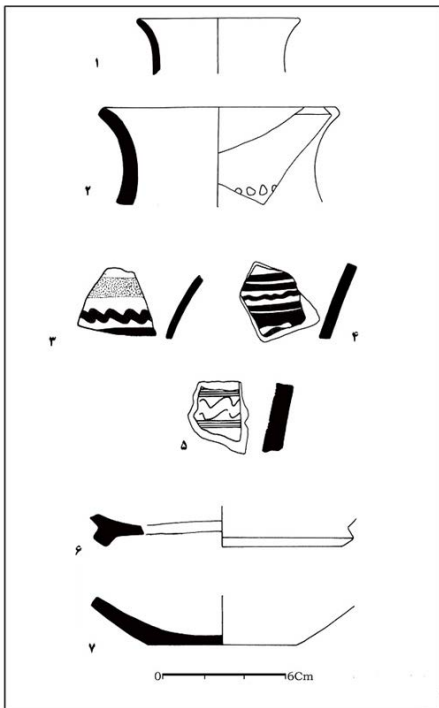


▲ شکل ۷: آثار ورودی در یکی از قبور سنگی (محوطه دمب‌کوه)، (شیرازی، ۱۳۸۹).

پس از بررسی‌های متعدد در نقاط مختلف در کشور عمان، سایت‌هایی از دوران‌های پیش از تاریخ و تاریخی به‌دست آمده است. شاخص‌ترین آثار در این محوطه‌ها، گورهای سنگی کشف شده از آن‌ها است. قبور سنگی در عمان عموماً در کنار منابع آب قرار گرفته‌اند و از لحاظ محیط طبیعی و پوشش گیاهی نیز کاملاً مشابه مناطق بلوچستان ایران و پاکستان می‌باشد، ولی یکی از مهم‌ترین ویژگی قبور در عمان، سالم بودن تعداد بسیار زیادی از آن‌ها است و دلیل اصلی سالم ماندن آن هم نبودن عامل فرسایشی باد است، متأسفانه در بلوچستان ایران و پاکستان بادهای شدیدی همراه با باران‌های سیل آسا در فصول مختلف سال رخ می‌دهد که باعث تخریب آثار باستانی می‌شود (Yule, 1995: 257).

در کشور عمان، چندین محوطه بزرگ دارای تدفین‌های سنگی دیده شده است، از جمله می‌توان به: ام‌النار، هفیت، جعلان، رأس‌الجینز، رأس‌الحمرا و... اشاره کرد؛ ولی متأسفانه به‌دلیل در دسترس نبودن گزارشات کاوش در بعضی از این محوطه‌ها، هم‌چنین منتشر نشدن تعدادی دیگر از نتیجه بررسی در آن‌ها، ناچار به اطلاعات موجود کفایت کرده و دو محوطه مهم که دارای عمده این تدفین‌ها هستند را معرفی و به بررسی هر یک می‌پردازیم.

هفیت: محوطه هفیت در جنوب‌شرق کشور عمان قرار گرفته است. این محوطه پوشیده از قبور سنگی متعلق به دوران پیش از تاریخ است. گورستان هفیت برای اولین بار توسط هیأت باستان‌شناسی دانمارکی شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت (Cleuziou and Tosi, 2000). قبور هفیت بسیار سالم‌تر و دست‌نخورده‌تر از نقاط دیگر بوده و اختلافات اندکی در میزان ارتفاع و قطر آن‌ها نسبت به سایر قبور ذکر شده، وجود دارد (شکل ۱۳). تمامی قبور در این محوطه مدور و با سنگ‌های محلی و صاف بدون استفاده از هرگونه ملاتی ساخته شده‌اند (شکل ۱۴). تیم کاوش‌گر در این سایت، با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی و مطالعه آزمایشگاهی اسکلت‌های کاوش شده، تاریخ ۲۷۰۰ تا ۳۲۰۰ ق.م. را برای این قبور پیشنهاد داده‌اند (شکل ۱۵). درون قبور به‌طور معمول سفال‌های گوناگون، ابزارهای سنگی و مفرغی قرار دارند و حالت قرار گرفتن جسد درون قبور عموماً به حالت چمباتمه‌ای می‌باشد (Ibid)، (شکل ۱۶).



لوحة ۳: طرح نمونه‌های سفالین، (شیرازی، ۱۳۸۹).

با مقایسه گورستان هفیت با سایر گورستان‌ها در بلوچستان ایران و پاکستان به این نکته پی‌می‌بریم که سنت تدفین به‌صورت سنگی، از دوران پیش از تاریخ یعنی از هزاره‌های سوم ق.م. آغاز شده و نمونه‌های آن در ایران در ادامه همین سنت تدفین است.

ام‌النار: محوطه باستانی ام‌النار، در شهری به‌همین نام در شمال غربی کشور عمان در حاشیه خلیج فارس قرار گرفته است. هیأت باستان‌شناسی دانمارکی برای نخستین‌بار گزارشی از این محوطه ارائه کردند و بعد از آن اشخاص دیگری از جمله: کلوزیو و توزی بررسی دقیق‌تری در این سایت انجام دادند که منجر به شناسایی تعداد بسیاری از قبور سنگی در این محوطه شد (De Cardi, 2008:245). کلوزیو و توزی تعدادی از قبور این گورستان را کاوش کرده و آثار و بقایای ارزشمندی که حاکی از نحوه معیشت و زندگی روزمره مردمان دوران پیش از تاریخ عمان بود، کشف کردند (شکل ۱۷). در این قبور استخوان‌های نیمه سالم زیادی به‌دست آمد، همچنین سفال با نقوش و طرح‌های گوناگونی نیز کشف شد و آنان برای این سایت، ۲۷۰۰ ق.م. را پیشنهاد کردند. علت اصلی از بین رفتن اسکلت‌ها در درون قبور سنگی این است، که این قبور به علت نداشتن عمق زیاد و همچنین نفوذ هوا از لابلای سنگ‌ها به درون آن باعث تخریب تدریجی استخوان‌ها شود (Yule, 1995: 260). فرم و معماری گورها به‌صورت مدور و به‌طور معمول بین ۱/۵ تا ۲ متر ارتفاع دارند و دارای در ورودی به ارتفاع حدود ۱۰۰ سانتی‌متر است (شکل ۱۸) حالت قرارگیری جسد در درون قبور، همانند نمونه‌های قبلی به‌صورت چمباتمه‌ای و به پهلوئی چپ و راست است و عموماً اسکلت بزرگ‌سالان در قبور کاوش شده گزارش شده است. از دیگر آثار به‌دست آمده از این گورها، ظروف سنگ صابون، صدف و ابزارهای جنگی است (Ibid). از مطالعه قبور سنگی در عمان در می‌یابیم که سنت تدفین‌های سنگی در عمان بسیار مشابه قبور سنگی در ایران و پاکستان می‌باشد، باز هم این احتمال افزایش



▲ شکل ۸: تعدادی از قبور سنگی در محوطه میری کلات (Besenval 1997: fig 41).



شکل ۹: تصویری از قبور سنگی زنگیان در نزدیکی تربت (Stein, 1931: fig. 24) ◀



▲ شکل ۱۰: محوطه مرده سنگ، بستر رودخانه کانراچ (Vogt and Franke-Vogt, 1987).



▲ شکل ۱۱: مرده سنگ، نمونه قبر سنگی (Vogt and Franke-Vogt, 1987).

پیدا می‌کند که گورهای منسوب به اشکانی در بلوچستان ایران صرفاً متعلق به دوره اشکانی نیستند، تداوم شیوه به خاک‌سپاری دوران پیش از تاریخ هستند. با مقایسه گورهای سنگی در کشور عمان و پاکستان که عمدتاً متعلق به عصر مفرغ و آهن می‌باشند می‌توان چنین برداشت کرد که سنت ساخت قبور سنگی ریشه در دوران پیش از تاریخ دارد و در دوره‌های تاریخی نیز ادامه یافته است.

گاهنگاری قبور بلوچستان

متأسفانه به علت عدم کاوش در این قبور، نمی‌توان تاریخ دقیق و مطلق برای آن‌ها پیشنهاد کرد؛ ولی با توجه به داده‌های فرهنگی سطحی همچون سفال، می‌توان چنین ارزیابی کرد که تمامی سفال‌های یافته شده از محوطه‌ها به



▶ شکل ۱۲: مرده سنگ، نمونه قبر سنگی (Vogt and Franke-Vogt, 1987).



▶ شکل ۱۳: نمونه قبور نوع هفیت در جنوب راس الجینز مشرف به دریا، عمان (Cleuz-iou and Tosi, 2007).



شکل ۱۴: قبور سنگی نوع هفیت در منطقه بات، عمان (Cleuziou and Tosi, 2007) ◀



شکل ۱۵: سفال نوع جمدت نصر در یک قبر سنگی در منطقه زوکیت، عمان (Cleuziou and Tosi, 2007) ◀

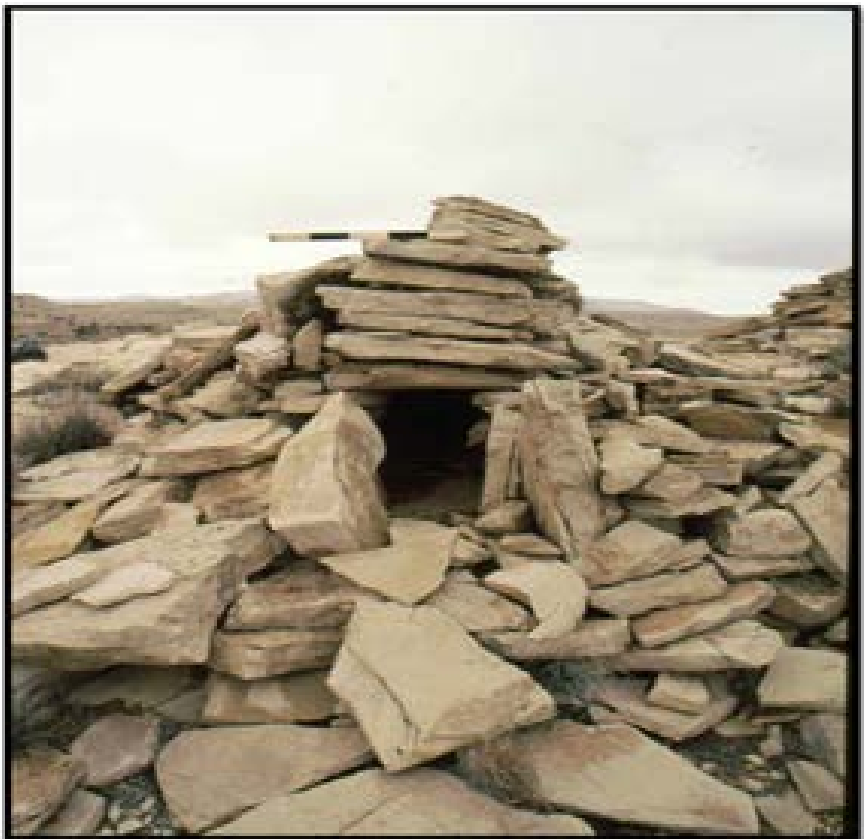


شکل ۱۶: گروهی از قبور سنگی در جلوی کوه مشیت (وادی عین)، عمان (Cleuziou and Tosi, 2007) ◀

► شکل ۱۷: پراکندگی قبور در سطح محوطه (Yule, 1995).



► شکل ۱۸: قبور ویران شده (Yule, 1995).



استثنای تعداد محدودی، از نوع سفال پارتی است و بنابراین عمده این گورستان‌ها به دوره اشکانی تعلق دارد. هر چند شاید بتوان نمونه‌های قدیمی‌تر را نیز در برخی جاها تصور نمود. علت انتساب آن‌ها به دوره اشکانیان، کشف گونه‌های سفال پارتی و پیدا شدن یک سکه مسی متعلق به "سناتروک" مربوط به سال‌های ۷۰-۷۷ ق.م. است که از "دمب کوه" (Damba-Koh) در حوزه باهوکلان، از

مهم‌ترین سایت‌های تدفین گور سنگی در ایران یافت شده است (Lam-: 253 berg-Karlovsy and Humphries 1967).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، به بررسی یکی از ناشناخته‌ترین و پیچیده‌ترین موضوعات باستان‌شناسی بلوچستان یعنی شیوه تدفین گورسنگی پرداخته است. یکی از موانع جدی و مهم این تحقیق، عدم وجود منابع دسته اول برای انجام پژوهش بود. به هر روی با بررسی میدانی و دقیق در این مساله در بلوچستان ایران و مقایسه آن با سرزمین‌های همجوار که دارای این شیوه تدفین بودند، نتایج زیر استخراج می‌گردد. محوطه‌های و گورستان‌های متعددی در بررسی باستان‌شناختی در محدوده حوزه مکران جنوبی (شهرستان‌های نیکشهر و چابهار) شناسایی و ثبت شده‌اند. نمونه سفال‌های به‌دست آمده از سطح محوطه‌ها، به‌طور کلی با نمونه‌هایی از محوطه‌های دوران اشکانی در ایران هم‌چون، هگمتانه، قلعه ضحاک، تپه گوری سیستان، قلعه یزدگرد، ماه‌نشان زنجان، تپه جنت‌آباد مورد مقایسه گونه‌شناختی قرار گرفتند که تشابهات فرهنگی میان نمونه‌های به‌دست آمده از بررسی و نمونه‌های یاد شده، نشان از اشکانی بودن نمونه‌های سفالین و محوطه‌های شناسایی شده در بلوچستان دارد.

با مقایسه سنت تدفین در عمان و پاکستان، با توجه به این‌که آن‌ها از لحاظ گاهنگاری براساس شواهد و مدارک مستدل باستان‌شناسی به دوران پیش از تاریخ (هزاره‌های دوم و سوم ق.م.) تا دوران ساسانیان باز می‌گردد، این احتمال قوت می‌یابد که قبور بلوچستان ایران ادامه سنت تدفین هزاره‌های سوم و دوم ق.م. است که تا آغاز دوران اسلامی در جنوب رواج داشته است.

با بررسی باستان‌شناختی و محیطی در اطراف این گورستان‌ها، این نظریه متصور می‌شود که، عمدتاً گورستان‌های متعلق به دوره اشکانی در مجاورت یا نزدیکی منابع آب قرار دارند و نشان از یک استقرار کوچ‌رو دارند. با توجه به این‌که قبور در شرایط زیست‌محیطی تقریباً یکسانی هستند، می‌توان نتیجه گرفت که اقلیم و زیست‌بوم در این شیوه تدفین نقش بسزایی داشته است.

پیشنهادات

بر اساس اطلاعات فراهم شده مذکور می‌توان اذعان داشت که خلاء کمبود آگاهی ما از تاریخ‌گذاری مطلق تدفین‌های سنگی بلوچستان، می‌تواند با کاوش‌های باستان‌شناسی روشن شود، بنابراین می‌توان پیشنهاد داد.

۱. بررسی‌های باستان‌شناختی روشمند در تمامی مناطق بلوچستان و کاوش در محوطه‌های شاخص دارای تدفین‌های سنگی می‌تواند، آگاهی ما را از محتویات قبور افزایش دهد.

۲. انجام آزمایش‌های شیمیایی دقیق در آزمایشگاه‌های مجهز بر روی نمونه‌های سفالین مکشوفه از درون قبور، می‌تواند تاریخ‌گذاری مطلق و قابل استنادی را ارائه نماید.

۳. شناسایی الگوی پراکنش این قبور در نقاط مختلف ایران و مقایسه آن‌ها

با یک‌دیگر جهت آشکار شدن سبک‌های ساختاری متفاوت آن‌ها، می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تر کمک کند.

۴. شناخت ساختارها و روند تحولات اجتماعی جامعه در دوره پارتمان در منطقه جنوب‌شرق ایران، به‌ویژه در کاوش محوطه‌ها می‌تواند پاسخ‌گوی نقش و تاثیر مذهب در چگونگی به خاک‌سپاری اجساد و تاثیر طبقات اجتماعی بر شیوه‌های مختلف تدفین باشد.

کتابنامه

- آذرنوش، مسعود، ۱۳۸۶، «گزارش مقدماتی کاوش‌های لایه شناختی تپه ی هگمتانه همدان»، گزارش‌های باستان‌شناسی ۷ (مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- خسروزاده علیرضا و عالی ابوالفضل، ۱۳۸۳، «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه نشان (زنجان)»، مجموعه مقالات همایش شمال غرب، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- رهبر، مهدی، ۱۳۸۲، کاوش‌های باستان‌شناسی خورده، تهران: مدیریت میراث فرهنگی استان مرکزی.
- سعیدی هرسینی، محمدرضا، ۱۳۷۵، شیوه‌های تدفین پارت، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس،
- سید سجادی، سید منصور، ۱۳۷۴، باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان (هشت گفتار)، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- شیرازی، روح الله، ۱۳۸۸، گزارش مقدماتی بررسی شهر ستان نیک شهر، محفوظ در آرشیو اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.
- شیرازی، روح الله، ۱۳۸۹، گزارش مقدماتی بررسی شهر ستان چابهار، محفوظ در آرشیو اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.
- طلایی، حسن، ۱۳۸۵، عصر مفرغ ایران، تهران: انتشارات سمت.
- مهرآفرین، رضا، ۱۳۸۶، حفاری و گمانه زنی تپه گوری سیستان، محفوظ در آرشیو اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان، چاپ نشده.
- محمدی فر، یعقوب، ۱۳۸۸، باستان‌شناسی و هنر اشکانی، تهران: انتشارات سمت.
- هرنیک، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوره اشکانی، ترجمه: حمیده چوبک، چاپ اول، تهران: انتشارات نشر.

- Alden, J. R., 1978, Excavation at Tall-i Malyan, Iran, XVI: 79-86.

- Besenval, R., 1994. The 1992-1993 Field Season at Miri Qalat: New Contributions to the Chronology of Protohistoric Settlement in Pakistani Makran. In: A. Parpolla and P. Koskikollio (eds.), South Asian Archaeology 1993, vol. 1: 81-91, Helsinki

- Besenval R., 1997, Entre le Sud-Est iranien et la plaine de l'Indus: le Kech-Makran, Recherches archéologiques sur le peuplement ancien d'une marche des confins indo-iraniens. *Arts Asiatiques* 52:5-36.
- Besenval, R. 2000, New data from the chronology of the prehistory of Kech-Makran (Pakistan) from Miri Qalat 1996 and Shahi Tump 1997 field season, In: M. Taddeh and G. De Marco (eds.), *South Asian Archaeology 1997*, 1: 161-187, IsIAO, Roma.
- Cleuziou S. and Tosi M., 2000, Raas al-Jinz and the Prehistoric Coastal Cultures of the Ja'alan, *Journal of Oman Studies* 11: 19-73.
- Cleuziuo S., and Tosi M., 2007, *In the shadow of the ancestors*, Ministry of Heritage and Culture, Sultanate of Oman.
- Debevois, N. C., 1934, *Parthian pottery from Seleucia on the Tigris*, University of Michigan Press, Ann Arbor.
- De Cardi, B., 1951, A new prehistoric ware from Baluchistan, *Iraq XIII*: 63-74.
- De Cardi, B., 1968, Excavations at Bampur, S.E Iran: A Brief Report, *Iran VII*: 135-155.
- De Cardi, B., 1970, Excavations at Bampur, a third millennium settlement in Persian Baluchistan, *Anthropological Papers of the American Museum of Natural History* 51, New York.
- De Cardi B. 2008, Exploring the lower Gulf, 1974-2007, *Antiquity* 82: 165-177.
- Fairservis, W. A., 1956, Excavations in the Quetta Valley, west Pakistan, *Anthropological Papers of the American Museum of Natural History*: 45/2, New York.
- Lamberg-Karlovsky, C.C. and Humphries J. 1967, The cairn burial in southeastern Iran, *East and West* 18: 257-269.
- Lamberg-Karlovsky, C.C., 1972, Tepe Yahya 1971: Mesopotamia and Indo Iranian borderlands, *Iran X*: 89-100.
- Keall, E. and Keall M., 1981, The Qaleh-i Yazdigird Pottery: A Statistical Approach, *Iran XIX*: 33-80.
- Kennet D., 2002, Sasanian pottery in southern Iran and eastern Arabia, *Iran XL*: 153-162.
- Kleiss, W., 1973, Qaleh Zohak in Azerbaijan, *AMI* 6: 163-188.
- Mockler, M. 1877, On ruins in Makran, *Journal of Royal Asiatic Society* 9: 121-134.
- Stein, A., 1931, *An archaeological tour to Gedrosia*, Calcutta.
- Stein, A., 1937, *Archaeological reconnaissances in north-western India and south-eastern Iran*, MacMillan, London.
- Stronach, D., 1969, Excavations at Tepe Nush-i Jan, 1967, *Iran VII*: 1-20.
- Vogt, B. and Frake-Vogt U., 1987, Shimal 1985-1986, excavations of the German Archaeological Mission in Ra's al-Khaimah, U.A.E., a preliminary report, *Berliner Beitrage zum Vorderen Orient*, band 8, Berlin: Reimer.
- Yule, P. and Weisgerber G., 1996, *Deutsche Archäologische Oman-Expedition 1995*, *MDOG* 128: 135-155.

1- Simple stony irregular graves

2- Regular graves with walls and doors

All of the graves have built with stones available around the sites. Only a few samples have remained intact and their roofs have been mostly collapsed during the time. In the case of chamber shaped cairns, they have been constructed without using any mortar. Some of them have entrance doors, between 50-70 cm wide and 50-70 cm high.

The potsherds discovered from these cairns are generally divided into 3 groups: the first group is usually monochrome or occasionally biochrome painted ware. Regarding their manufacturing techniques, they have a middle to fine paste and the surface of the vessels are covered by red to buff slips. Geometric (zigzag and ladder lined) motives have been used for decoration of the pottery. The second pottery type, which called Londo ware, is a kind of painted pottery on which animal motives (like horse and ibex motives) are abundant as well as geometric motives. The third category of pottery is fine orange ware with very smooth surface including cups and long chalices that some scholars consider an Indian origin for them. By providing new archeological evidence including classification of burial structures and pottery typology, the present study conclude that, at the moment, Parthian dating, already proposed for this type of graves, is also confirmed by our findings. But an earlier chronology could be attested by excavating some cairn burials in the region.

Keywords: Cairn Burials, Makran, Parthian Era, Burial Traditions, Chronology

PAZHOSHESH-HA-YE
BASTANSHENASI IRAN
Archaeological Researches of Iran
Journal of Department of Archaeology
Faculty of Art and Architecture
Bu-Ali Sina University

New Archaeological Evidence on Cairn Burials in Iranian Makran (Nikshahr and Chabahar)

Hassan Hashemi Zarj Abad

Assistant Professor of Archaeology, University of Birjand
hhashemi@birjand.ac.ir

Rouhollah Shirazi

Assistant Professor of Archaeology, University of Sistan and Baluchestan

Saman Farzin

PhD Candidate, University of Mazandaran

Maryam Zohourian

PhD Candidate, University of Tarbiat Modarres

Received: 2014/05/14 - Accepted: 2014/11/04

Abstract

Mortuary practices are the main source of study on the ancient cults and religions. Burials, as a part of material and intangible heritage of a society, have their own characteristics in different regions. Since ancient inhumation traditions originate from the beliefs of the past societies, their study could be useful for reconstruction of cultural evolutionary process of them. Equally, investigation on them is the best way to determine the religious and cultural interactions among neighboring civilizations. In southern Makran, new archaeological surveys indicate that special stone burials, called cairn burials, are abundant during the Parthian era, very similar to those already identified in Kerman, Hormuzgan, Fars, northern coasts of Persian Gulf (Bushehr region), Pakistani Makran and southern shores of Oman Sea. In the Baluchistan region, these graves are called Dambi which refer to inhumation of old alive persons. In fact, an abundant samples of them were discovered among which, the largest and most significant site is "Damba-Koh" located in Bahu Kalat plain. Their form are characterized by semi-deep pits covered by a hump of stone pebbles. The present paper tries to study and classify these graves, to detect their traces in anterior periods as well as to evaluate their chronology through typological and comparative analysis of pottery, found on the newly identified cairn sites. The forms of the cairns are divided into three general groups including square, circular and oval shapes. Structurally, they have been constructed by two various methods: